

برای زخم های محمود

وریا شریفی

اول اردیبهشت هشتاد و هفت

عصر روز یکشنبه ۱۸ فروردین خبر کوتاهی بسرعت باد در همه جا پیچید: "محمود صالحی آزاد شد." کسی نبود که شادمانی اش را پنهان کند. خبررسانان مزدگانی می خواستند و گیرندگان خبر هم از فرط هیجان، اشک شوق خود را نمی توانستند نگه دارند، به یکدیگر می رسیدند و ازچنین روز خوبی صحبت می کردند.

طولی نکشید که دوستانان محمود، خود را به منزلش رساندند. در کنار او رقص و پایکوبی کردند، چرا که کارگر زحمتکش و محبوبشان، بعد از یکسال بیماری و کشاکش با درد رنج، به میان آن ها بازگشته بود. دوستش می دارند، او را از خود می دانند و نگران دردها و زخم هایش هستند.

اما زخم های محمود، فراتر از بیماری و دردهای جسمی اوست. زخم های او، اشک کودکان و زنان خاتون آباد است که نان آورشان را از دست دادند؛ رانندگان اتوبوسرانی و کارگران پرریس است که برای دفاع از حق داشتن تشکل و زندگی انسانی، کتک خوردند؛ کارگران نساجی و نیشکرهفت تپه و دهها مراکز دیگر است که دست مزدهایشان پرداخت نمی شود؛ عرق ریخته شده ی خانواده های کارگری است که زیر آفتاب سوزان در کوره پز خانه ها کار می کنند؛ مصائب هزاران کارگر است که با نگرانی به آینده، قراردادهای یک ماهه و سفید، امضا می کنند؛ چهره ی رنجور کارگر بیکاری است که غروب دست خالی نزد زن و بچه هایش بر می گردد و صورت خود را از فرزندانش پنهان می کند؛ و...

محمود صالحی، قلب تپنده انسان های شریف، پاک و زحمتکشی است که زندگی خود را بیدریغ وقف تلاش برای برابری حقوق انسان ها و آرزوی داشتن دنیایی زیبا کردند. دنیایی که در آن کسی مجبور نشود برای امرار معاش نیروی کارش را بفروشد و ثمره ی کار انسان در خدمت بهتر زیستن و شکوفا شدن جامعه باشد.

 آزادی محمود بر خانواده و دوستانش مبارک باد.

وریا شریفی ۸۷/۱/۲۷

کمیته دفاع از محمود صالحی